

ضرورت حرکت در جهت حبس‌زدایی، با نگرش به نهادهای تأسیسی در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و موانع پیش‌روی آنها

حسن عابدیان*

سید محمدفاضل حسینی**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۱۷

چکیده

با توجه به اینکه مجازات حبس، در رسیدن به اهداف مورد انتظار آن، از جمله اصلاح و بازپروری زندانیان، تقریباً ناکارآمد بوده و با عنایت به اینکه محیط زندان، محیطی جرم‌زا است و همچنین با توجه به مشکلات اقتصادی و اجتماعی که ممکن است اعمال این مجازات برای جامعه به وجود بیاورد، مطالعه و پیش‌بینی مجازات‌های جامعه‌مدار جایگزین برای آن، لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ از جمله این مجازات‌ها می‌توان به دوره‌ی مراقبت، جریمه‌ی روزانه، کارهای عام‌المنفعه، محرومیت از حقوق اجتماعی، تعلیق ساده و آزمایشی، بازگشت آخر هفته به زندان، حبس در منزل، سیستم نیمه‌آزادی و راهکارهایی از این قبیل اشاره کرد. بر همین اساس، سیاست کیفری ایران نیز بدین سمت (حبس‌زدایی) گرایش پیدا کرده و در این راستا در حرکت است؛ به همین علت در قوانین موضوعه اخیر، به خصوص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، راهکارها و نهادهایی در جهت کاهش جمعیت کیفری پیش‌بینی شده است؛ اما در عمل آنچه‌ان که انتظار می‌رود اجرای این سیاست‌ها با موفقیت همراه نبوده است. در این تحقیق ابتدا به دلایل و ضرورت‌های حرکت در جهت مجازات‌های جایگزین حبس و موانع پیش‌روی، از جمله فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم و لزوم اقدام هماهنگ مجموعه نهادهای عمومی و ... اشاره خواهیم نمود و در پایان پس از نتیجه‌گیری، پیشنهادهایی را ارائه خواهیم داد.

واژگان کلیدی: حبس، مجازات، حبس‌زدایی، تعزیر.

*استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

Mhbed4@yahoo.com

**دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسؤول).

dr.fazel50@gmail.com

مقدمه

انسان، این اشرف مخلوقات و خلیفه الهی (بقره، آیه ۳۰) که خداوند به لحاظ خلقت او، خود را احسن الخالقین می‌نامد (مؤمن، آیه ۱۴) و فرشتگان را به سجده بر وی فرمان می‌دهد (حجر، آیه ۲۹) و شیطان را به لحاظ سرپیچی از این امر از درگاه خود می‌رانند (اسراء، آیه ۶۵)، آزاد آفریده شده است؛ زیرا اگر انسان آزاد نبود قوه عقل که فصل بین انسان و حیوان شمرده می‌شود برای او ثمری نداشت و مجازات‌های دنیوی و اخروی برای او مقرر نمی‌گردید. خداوند، این آزادی انسان را تا آن حد مورد توجه قرار داده است که حتی در پذیرش دین، اجبار او را روا نمی‌دارد؛ «لا اکراه فی الدین» (بقره، آیه ۲۵۶).

در بررسی روایات فقهای شیعه و حتی دیدگاه‌های حقوق‌دانان در حقوق موضوعه، مشاهده می‌کنیم که آزادی، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. مولای متقیان علی (ع) در نامه‌ای به فرزندش امام حسن (ع) می‌نویسد: «برده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۳۱).

ولی آزادی انسان همیشه بی حد و حصر نیست بلکه در عرصه حیات اجتماعی، محدود به حدود رعایت حقوق آزادی‌های دیگران است. خداوند از یک سو انسان متجاوز به حریم آزادی دیگران را نکوهش می‌کند و از طرف دیگر، کسانی را که به تجاوز تن داده و در حفظ حق طبیعی خود کوشش نمی‌کنند مورد نکوهش قرار می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند، وضعیت هیچ قوم و گروهی از انسان‌ها را دگرگون نمی‌کند مگر آنکه خود بخواهند» (رعد، آیه ۱۱).

قانون اساسی نیز در اصل چهلیم خود در خصوص حدود آزادی، مقرر می‌دارد: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». فصل سوم قانون اساسی نیز به حقوق ملت اختصاص یافته و در اصول متعددی این حقوق را مورد تأیید و حمایت قرار داده است. قانون مجازات اسلامی نیز با اتکال به آن اصول، برای صیانت از حقوق مزبور، ضمانت اجرای کیفری قائل شده است.

مطالعات کیفرشناسان نشان داده است که تأکید بیش از حد بر استفاده از مجازات حبس، برای مجرم و جامعه آثار مثبتی به دنبال ندارد. هدف از مجازات، اصلاح مجرم و بازدارندگی جامعه از ارتکاب جرم است. زندان، ساختهٔ دست بشر برای در امان ماندن از

آسیب‌جانانی است که به دلیل برخورداری از شخصیت ضد اجتماعی نمی‌توانند حقوق دیگران را رعایت کنند. مجازات سلب آزادی با محبوس کردن مجرمان پشت میله‌های زندان، مجازات افرادی است که با ارتکاب جرم به جامعه، نشان می‌دهند که وجود آنها برای دیگران خطرناک است. بررسی دقیق در این زمینه نشان‌دهنده این مطلب است که زندان، چندان در تهذیب نفس برخی مجرمان تأثیری ندارد و بر عکس، برای برخی از آنها آثار نامطلوبی را نیز به دنبال دارد؛ از این رو محققان و پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که برای جرایم کوچک‌تر، متناسب با سن و سابقه مجرم، مجازات‌هایی تحت عنوان مجازات‌های جایگزین حبس مورد استفاده قرار دهند. این مجازات‌ها هم خود فرد و هم خانواده او را برای ادامه فعالیت در جامعه با مشکل کمتری رو به رو می‌کنند. استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس بر حسب مورد می‌تواند در پیشگیری از تکرار و تشدید جرایم در جامعه مؤثرتر واقع شود. با اجرای مجازات‌های جایگزین حبس، دیگر لزومی به حبس مجرمان در زندان نیست بلکه می‌توان مجرمان را در خانه حبس کرد یا در جای دیگر از آنها به طور سودمندتری استفاده کرد. در بعضی از مواقع نیز جرایمی چون جریمه نقدی، شلاق و مواردی از این دست می‌توانند جایگزین بهتری برای حبس باشند.

یکی از اهداف حبس‌زدایی، حمایت بیشتر از خانواده‌های مجرمان است؛ چراکه وقتی مجرم در زندان حبس می‌شود خانواده او نیز شرایط سختی را تحمل می‌کند و در واقع، مجازات حبس فقط مجازات مجرم نیست بلکه پیامدهای آن دامن‌گیر خانواده‌اش نیز می‌گردد.

مجازات‌هایی مانند حبس الکترونیکی، حبس خانگی، جزای نقدی، دوره مراقبت و ... از جمله مجازات‌هایی هستند که می‌توان به جای مجازات حبس در نظر گرفت؛ لذا در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بحث مجازات‌های جایگزین حبس، به عنوان فصلی مجزا^۱ توسط تدوین‌کنندگان این قانون مورد توجه قرار گرفته است که مواد ۶۴ تا ۸۷ این قانون را شامل می‌شود.

مسئله ما در این پژوهش این است که چرا علی‌رغم تأسیس نهادهای جایگزین حبس در قانون جدید مجازات اسلامی، در عمل، چندان توفیقی در جهت کاهش جمعیت کیفری

۱- فصل نهم از بخش دوم.

زندان‌ها حاصل نشده است؟ آیا قضاوت نسبت به این نهادهای تأسیسی، عنایت درخور توجهی ندارند یا اینکه زیرساخت‌های لازم برای اعمال جایگزین‌های حبس فراهم نشده است و در نتیجه، اجرای حکم را با مشکل رو به رو می‌کند و به همین خاطر قضاوت محترم محاکم از صدور احکامی که قابلیت اجرا ندارد منطقیاً احتراز می‌کنند؟

اگر یکی از عوامل، عدم وجود زیرساخت‌های لازم است - که هست - وظیفه سایر نهادهای حاکمیتی در این خصوص چیست؟ آیا بهتر نیست قبل از اینکه قضاوت محترم در هنگام صدور حکم، به مجازات‌های جایگزین حبس بیندیشند و با اصلاح قوانین، از بسیاری اعمال، جرم‌انگاری و یا حداقل حبس‌زدایی شود؟

در این پژوهش در گفتار نخست، ابتدا به عوامل گرایش به جایگزین‌های حبس و ضرورت حبس‌زدایی اشاره خواهیم نمود و در گفتار دوم، به بررسی انواع جایگزین‌ها می‌پردازیم و در گفتار سوم، با نقد قوانین مربوطه و ذکر نقاط قوت و ضعف آنها، به ارائه راهکارهای لازم در جهت نیل به اهداف حبس‌زدایی، که از جمله مهم‌ترین این اهداف، کاستن پیامدهای منفی زندان برای فرد و جامعه و نیز کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها است خواهیم پرداخت.

گفتار اول) عوامل گرایش به جایگزین‌های حبس

مجازات زندان، در بسیاری از کشورها به عنوان مجازات اصلی و با هدف بازپروری و اصلاح، اعمال می‌گردد؛ ولی بسیاری از حقوق‌دانان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بر این باورند که مجازات حبس نه تنها در موارد زیادی در رسیدن به هدف، موفق نبوده بلکه خود نیز جرم‌زا بوده است و آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فراوانی را تولید و روانه زندگی کرده است. تراکم جمعیت کیفری، افزایش جرم، جرم‌زا بودن محیط زندان و آسیب‌های داخل زندان، حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، عالمان و فرهیختگان جامعه را به اندیشه‌ای اساسی واداشت؛ بنابراین، ما در این بخش به طرح و بررسی مجموعه عوامل زمینه‌ساز بازاندیشی نوین در کیفر حبس و پرورش تفکر ایجاد جایگزین‌های حبس خواهیم پرداخت.

در این راستا باید اشاره کرد که دین مبین اسلام نیز تأسیساتی را بنا نهاده است که حکایت از توجه این دین به کیفرزدایی دارد. از جمله:

- ۱- سقوط مجازات بزهکار به خاطر توبه و بازگشت او به مسیر صحیح.
- ۲- تبدیل مجازات حدی به تعزیری در صورت عدم تحقق یکی از شروط.
- ۳- سقوط مجازات اقرارکننده به صلاح‌دید حاکم.

- ۴- مراجعه بزه‌کار و بزه‌دیده به قاضی تحکیم و عدم پیگیری رسمی کیفری در دادگاه.
- ۵- سقوط اجرای حد با مطرح شدن شبهه (الحدود تدرء بالشبهات).
- ۶- منع یا توقف تعقیب و پیگرد بزه‌کار در جرم‌هایی که جنبه خصوصی آنها غلبه دارد و شاکی خصوصی پیش از مطرح کردن در دادگاه، گذشت نماید.
- ۷- تأکید اسلام بر «اصلاح ذات‌البین» در راستای حل خصومت افراد جامعه که از عبادت‌های ارزشمند و پر فضیلت معرفی شده است. مرحوم ثقه الاسلام کلینی در اصول کافی، بابی را به این موضوع اختصاص داده و روایاتی در آنجا آورده است.

۱- سهل‌نگری قضات به حکم زندان

سهل‌نگری قضات و صدور سریع و آسان حکم زندان، آثار منفی فراوانی را به دنبال دارد؛ البته شاید سهل‌نگری را بتوان در حبس‌محور بودن قوانین جزایی و نگاه مثبت قضات و اثربخش دانستن کیفر حبس، جست‌وجو کرد. متأسفانه، حبس به عنوان ضمانت اجرایی بسیاری از قوانین و مقررات قرار گرفته است.

دفتر بررسی‌های حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طی گزارشی اعلام داشت: «در حقوق کیفری ایران، حدود ۱۴۰۰ مورد عنوان مجرمانه وجود دارد که برای ۴۰۰ مورد از موارد مذکور، مجازات حبس پیش‌بینی شده است» (غلامی، ۱۳۸۰، ص ۴۵).

«اگرچه حبس‌محوری قوانین، در افزایش جمعیت زندانی نقش اساسی دارد و دست قاضی را جهت صدور حکم زندان باز می‌گذارد اما نگاه قضات به زندان، نقش برتری دارد؛ زیرا اگر قاضی، توجه بیشتری به آثار منفی زندان داشته باشد از راهکارهای قانونی موجود بیشتر استفاده می‌کند که هم با مجرم برخورد قضایی شده باشد و نارضایتی مردم را فراهم نسازد و هم به آثار تربیتی روح و روان مجرمین دست یابد» (غلامی، ۱۳۸۰، ص ۶۰).

بی‌شک، مسؤول تغییر این نگرش، علاوه بر مسؤولین قوه قضائیه، فرهیختگان و عالمان حوزه و دانشگاه نیز می‌باشند که اگر نگوییم نقش دسته دوم از دسته اول بیشتر است قطعاً کمتر نخواهد بود؛ زیرا آنها می‌توانند با مباحث علمی و تضارب افکار، به اصلاح این دادگاه بپردازند و عملاً به نظام کیفری اسلامی کشورمان کمک کنند تا از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی و ... که به عنوان پیامد زندان می‌باشد جلوگیری نمایند.

۲- ناکام ماندن مجازات حبس در تحقق اهداف

قانون‌گذار برای مجازات حبس، اهدافی را بیان کرد تا با اعمال مجازات زندان، به آنها دست یابد؛ ولی بسیاری از صاحب‌نظران و حقوق‌دانان بر این باورند که نه تنها با اعمال مجازات حبس، هیچ یک از آنها تحقق نیافته (مانند: پیشگیری از جرم، اصلاح و تربیت روح و روان و ...) بلکه آسیب‌های جدی به فرد مجرم، خانواده و جامعه وارد کرده است. اساساً آمار ورودی زندان‌ها در جهان، گویای این واقعیت است که این مجازات نتوانسته است هیچ یک از اهداف یاد شده را به‌طور کامل برآورده کند؛ بنابراین، می‌بینیم که نه تنها از تعداد بزه‌کاران و زندانیان کاسته نشده است و نه تنها تکرارکنندگان جرم کاهش نیافته‌اند بلکه بر جمعیت کیفری زندان و تکرارکنندگان جرم افزوده شده است. پس زندان نه تنها نمی‌تواند امنیت قضایی را برقرار کند بلکه بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به قضات و دستگاه قضایی را نیز به دنبال دارد (غلامی، ۱۳۸۰، ص ۶۵).

۳- تراکم جمعیت زندان و کمبود فضای مناسب

یکی از علل گرایش به موضوع جایگزین‌ها، تراکم جمعیت زندان و کمبود شدید فضای زندان می‌باشد. به عنوان بهترین گواه، آمار زندان‌ها شهادت می‌دهند که متأسفانه هر ساله بر تعداد زندانیان افزوده می‌شود بی‌آنکه فضای نگهداری آنان توسعه و گسترش یابد و این در حالی است که «نسبت محکومین به زندان، یک پنجم کسانی است که در سال وارد زندان می‌شوند» (هاشمی‌شاهرودی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵). اساساً، فضای سرانه قابل قبول در زندان، ۱۷/۵ متر مربع است ولی این مترها در هیچ کشوری به علت بار مالی فراوانی که دارد رعایت نمی‌شود.

بی‌تردید، تراکم جمعیت و عدم وجود اشتغال در جامعه، فی‌نفسه می‌تواند منتهی به جرم شود و این امر در محیط زندان به عنوان محیطی جرم‌زا، فراوان است و آثاری منفی به بار می‌آورد و آثار شکننده آن به خارج از زندان نیز کشیده خواهد شد (هاشمی‌شاهرودی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳).

۴- ناسازگاری شخصی بودن مجازات با زندان

اصولاً شخصی بودن مجازات، با زندان ناسازگاری دارد و اصل بر این است که هر فردی می‌بایست خود به سزای رفتار بدش برسد. در یک نگاه ابتدایی، انسان گمان می‌کند که

آثار منفی کیفر حبس متوجه خود زندانی است اما با کمی تأمل می‌فهمد که وقتی شخصی زندانی می‌شود آثار منفی زندان و تبعات مالی، معنوی، فکری، روحی و اخلاقی آن، نه تنها متوجه خانواده زندانی می‌شود بلکه متوجه جامعه‌ای که او در آن زندگی می‌کند نیز می‌گردد؛ بنابراین، هنگامی که مجرم در زندان به سر می‌برد خانواده او گرفتار آسیب‌های روحی، روانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و چنین است تأثیر مهم زندانی شدن فرد بر محیط خانوادگی او.

وقتی افراد مجرم، دارای همسر و فرزند هستند و محکوم به حبس می‌شوند خانواده‌هایشان به خاطر بی‌سرپرستی، در جامعه ممکن است به انحراف و فساد کشیده شوند (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۲).

عدم امنیت، فشار روحی و روانی، مشکلات معیشتی و اقتصادی، تزلزل فرهنگی و ... هر کدام به تنهایی برای شکستن یک خانواده کافی است؛ در حالی که نص صریح قرآن کریم می‌فرماید: «و لا تکسب کل نفس الا علیها و لاتزر وازره وزر اخری: هر کس نتیجه عمل خود را می‌بیند و هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد» (انعام، آیه ۱۶۴).

۵- جرم‌زا بودن محیط زندان

بسیاری از صاحب‌نظران، زندان را محیطی بسیار آلوده و جرم‌زا می‌دانند و برخی بر این باورند که: «زندان موجب ارتقای کیفیت جرایم می‌شود؛ چراکه هرچه تراکم زندانیان بیشتر باشد مقدار یادگیری شگردها و حیل‌های بزهکاری نیز بیشتر می‌شود. خلاصه اینکه، جرم‌های فراوانی در زندان رخ می‌دهد که نیازی به پرداختن به آنها نیست؛ ولی نگرانی زیاد آنجاست که همین مجرم، بار اول همه آنچه را که در مدت کیفر در محیط زندان آموخته است پس از آزادی به خانواده و جامعه انتقال می‌دهد و با انتقال این فنون به خانواده و جامعه، آنها را نیز گرفتار ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جدی جدیدی می‌سازد (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳).

۶- هزینه و بار مالی زندان

علاوه بر آثار منفی فراوانی که زندان به دنبال دارد می‌توان به تبعات مالی که زندان برای هر حکومتی دارد اشاره کرد و در این راستا می‌توان دو نوع ضرر اقتصادی را بیان داشت:

۱-۶- ضررهای اقتصادی مستقیم

وقتی که صدور حکم زندان افزایش پیدا می‌کند، جهت نگهداری مجرم، به ناچار می‌بایست ساختمان‌ها، نیروی انسانی و وسایل رفاهی و بهداشتی استاندارد نیز افزایش یابد. کارشناسان، هزینه سرانه هر زندانی را در سال ۱۳۷۸ معادل ۱۰۰۰۰ ریال، در سال ۱۳۸۲ برابر ۴۰۰۰۰ ریال و در سال ۱۳۸۷ حدود ۵۰۰۰۰ ریال و ... تعیین کرده‌اند. این هزینه به تعبیر ذی‌حساب‌ها، هزینه آشکار می‌باشد و هزینه‌های پنهانی هم وجود دارد که از سوی دیگر سازمان‌ها و نهادها مثل قوه قضائیه، قوه مقننه، برنامه و بودجه، وزارت آموزش و پرورش و ... برای برنامه‌ریزی‌های مختلف و پشتیبانی از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته می‌شود که رقم سنگینی است و به سرانه زندانی اضافه می‌شود (شمس، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵).

۲-۶- ضررهای اقتصادی غیرمستقیم

با زندانی شدن یک فرد، بخشی از چرخه اقتصادی، به کندی و رکود کشیده می‌شود؛ خصوصاً هنگامی که زندانی از تخصص بالا یا موقعیت اقتصادی خاصی برخوردار باشد. شاید چنین مواردی، ضمن بیکار شدن خود او، بیکاری افراد زیادی را نیز به دنبال داشته باشد که این امر، درصد آمار بیکاری جامعه را افزایش می‌دهد و بیکاری افراد، یکی از آسیب‌های جدی در هر جامعه است؛ زیرا فقر و به دنبال آن فساد را متوجه جامعه خواهد کرد. در همین خصوص، حضرت رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: «کاد الفقر ان یکون کفرا: چه بسا فقر که منجر به کفر می‌شود» (کلینی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۰۷). در موارد بسیاری، مجرم پس از بیکار شدن، برای رهایی از فقر چاره‌ای جز اینکه مجدداً مرتکب جرم شود نمی‌بیند و این امر، راه بازگشت مجدد او به محیط زندان را فراهم می‌سازد. پس عملاً خود زندان مجدداً مجرم بار اول را به درون خود می‌کشد.

۷- مشکلات درون زندان

مشکلات فراوانی همچون مسائل بهداشتی، تغذیه و بیماری‌های روحی در درون زندان وجود دارد که مسؤولین زندان‌ها به دلایل مختلف مانند عدم وجود بودجه لازم، قادر به حل آنها نیستند و این مشکلات روز به روز افزایش می‌یابند؛ زیرا این سازمان نیز با افزایش زندانی، به مرور با کاهش بودجه مواجه می‌شود. وجود چنین مشکلاتی، بسیاری را

به فکر جایگزین کردن سیستم‌های جدید و دست یافتن به جانشین‌ها و راهکارهای جدید مشروع برای زندان انداخت.

قضات، که به راحتی حکم حبس صادر می‌کنند باید توجه داشته باشند که برخی از این مشکلات شاید به آسانی قابل حل نباشند؛ مثل بیمار شدن زندانی، که از طریق بیماری‌های مسری ورودی صورت می‌گیرد و به آسانی قابل درمان نیست؛ زیرا هرچه ورودی و خروجی بیشتر باشد انتقال بیماری نیز بیشتر و کنترل آن سخت‌تر می‌شود. تحمّل این مشکلات، با کرامت انسانی و شخصیت انسانی موردنظر اسلام، در تعارض و تضاد است (منتظری، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۴۳۲).

۸- آثار نامطلوب روحی و روانی زندان

اساساً حبس و نگهداری انسان در یک محیط سالم و پاک، به طور طبیعی مشکل‌آفرین و روح‌آزار است؛ حال اگر این محیط، زندان باشد که با مشخصات خاص حاکم بر آن، موجب عصبیت و اختلالات روحی و روانی می‌گردد، به خصوص برای زندانیانی که اصل نگهداری آنان، خلاف واقع و یا مدّت تعیین شده برای کیفر حبس آنها مطابق با نوع جرم نباشد و یا حق‌کشی و بی‌عدالتی صورت گرفته باشد، این عصبیت و اختلالات روحی و روانی، حادث‌تر و سخت‌تر خواهد شد که آثار نامطلوب آن پرخاش‌گری، عصبیان، طغیان و شورش‌های پی‌درپی خواهد بود.

حتی ممکن است این آثار در محیط زندان بروز و ظهور یابد و یا پس از آزادی، در جامعه خودنمایی کند که در این صورت، جامعه را در آتش قهر خود می‌سوزاند و آثار سوختن، متوجه نظام و جامعه می‌گردد و هزینه آن به قدری سنگین است که هیچ‌کس قادر به پرداخت آن نیست؛ بنابراین، عقلاً برای جلوگیری از چنین آتش‌سوزی مهیبی به سراغ جایگزین‌های حبس رفتند (منتظری، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۵۳۲).

گفتار دوم) تدابیر جایگزین حبس

طبق ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی، جایگزین‌های حبس عبارتند از: دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی.

۱- دوره مراقبت

دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام، به

انجام یک یا چند دستور از دستورات مندرج در مقررات تعویق مراقبتی (موارد هشت‌گانه مندرج در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی) برای مدت معینی محکوم می‌گردد.

۲- خدمات عمومی رایگان

خدمات عمومی رایگان یا خدمات اجتماعی و عام‌المنفعه، نهادی است که به موجب آن، دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌دهد تا با انجام کاری به نفع جامعه، به جای رفتن به زندان، درصدد جبران خطای ارتكابی خود بر آید. این نهاد، با لحاظ میزان خطرناکی رفتار ارتكابی بزهکار، با هدف جبران خسارت بزه‌دیده و اعاده نظم مختل شده به جامعه، اعمال می‌گردد و لازمه آن، رضایت بزهکار نسبت به اجرای این خدمات است.^۱

خدمات عمومی رایگان، با توجه به تبصره ۲ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی، به شرطی در نظر گرفته می‌شوند که ساعات ارائه خدمت در روز، مانع امرار معاش متعارف محکوم و نقض مقررات مربوط به قانون کار نشود.

در خصوص عدم انجام خدمات عمومی توسط محکوم علیه، به دلیل عدم رضایت وی، حکم به مجازات اصلی داده می‌شود و در صورت عدم انجام خدمات عمومی توسط او به دلیل نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریتهای خانوادگی و مانند آنها، حکم انجام خدمات عمومی به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق یا تبدیل به مجازات جایگزین دیگری خواهد شد.

۳- جزای نقدی روزانه

جزای نقدی روزانه یا جریمه‌های روزانه یا روزهای جزای نقدی عبارتند از: مبلغی معین در ارتباط با درآمد روزانه بزهکار، که در محدوده روزهای تعیین شده‌ای از سوی قانون‌گذار، مورد حکم قرار گرفته و به نفع دولت اخذ می‌شوند.

به موجب ماده ۸۵ ق.م.ا، جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم، که به شرح ... مورد حکم واقع می‌شود و با نظارت اجرای احکام وصول می‌گردد.

این مجازات، حسب مخارج مجرم و خانواده‌اش و نوع و اهمیت جرم ارتكابی، از سوی مقام قضایی تعیین و در روزهایی که از پیش توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده‌اند اخذ می‌شود و با

۱- ماده ۸۴ ق.م.ا.

نظارت قاضی اجرای احکام وصول می‌گردند. مطابق تبصره ماده فوق، محکوم موظف است در پایان هر ماه، ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.

۴- پیش‌بینی حبس الکترونیکی

در ماده ۶۲ از قانون جدید، مجازاتی به عنوان حبس الکترونیکی یا نظارت الکترونیکی پیش‌بینی شده است اما اینکه آیا این مجازات که حدود یک دهه از امتحان آن توسط کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌گذرد، می‌تواند در کشور ما مؤثر واقع شود یا خیر، بحث قابل تأملی است.

حبس الکترونیکی و یا نظارت الکترونیکی، به نوعی از کنترل مجرمان گفته می‌شود که در آن، شخص مجرم در یک محدوده مشخص و محدود، در ارتباط با خانواده نگهداری می‌شود و با استفاده از تجهیزات الکترونیکی نظیر دستبند هشدار دهنده، رفتارهای او کنترل می‌شود. این روش، اغلب در کشورهای اروپایی و آمریکایی دیده شده است؛ اما جدا از اینکه کاربرد این روش، هزینه‌ای را به دستگاه قضایی تحمیل می‌کند باید بررسی کرد که آیا می‌توان امیدی به اصلاح بهتر مجرمان داشت یا تأثیر این شیوه بر روی اصلاح مجرمان آن‌قدر متفاوت و مثبت‌تر از دیگر روش‌ها است که ارزش صرف هزینه را داشته باشد؟

در مجموع، در مورد حبس الکترونیکی می‌توان این‌گونه گفت که در این روش، فرد می‌تواند فعالیت‌های اجتماعی بیشتری را البته با رعایت محدودیت انجام دهد. حبس الکترونیکی، همچنین مشکل برخی از آثار سوء حبس را برطرف کرده و این موضوع، یکی از محاسن استفاده از این نوع مجازات است.

برای اجرایی شدن اعمال این نوع مجازات، که در ماده ۶۲ قانون جدید به آن اشاره شده است لازم است که زیرساخت‌های آن فراهم شود و بررسی شود که آیا از لحاظ سخت‌افزاری، حبس الکترونیکی در کشور قابل اجرا است یا خیر؟

پس از بررسی سخت‌افزاری، نیاز است سنجیده شود که از لحاظ فرهنگی چه موانعی بر سر اجرای این طرح وجود دارد؛ به عبارت دیگر، باید زمینه اجرای این نوع مجازات از لحاظ فرهنگی و اجتماعی فراهم شود و در عین حال در این مورد، باید تکنولوژی مربوط به اعمال آن نیز در دسترس باشد.

منتقدان اعمال مجازات حبس الکترونیکی، بیش از هر چیز دیگر، از هزینه‌های این نوع مجازات‌ها نگران هستند. اما در مقابل، نظر موافقان این است که خود مجازات حبس نیز دارای هزینه‌هایی است؛ نگهداری، بازپروری و خوراک و پوشاک زندانیان، دارای

هزینه‌هایی است که در سیستم حبس الکترونیکی این هزینه‌ها حذف می‌شود. وقتی که این صرفه‌جویی را در کنار دیگر محاسن حبس الکترونیکی قرار دهیم به نظر می‌رسد که اعمال این نوع مجازات هم مفید به حال محکوم و هم مفید به حال جامعه است.

۵- حبس خانگی

یکی از مجازات‌های جایگزین پیش‌بینی شده در قانون جدید مجازات اسلامی، حبس خانگی است. در این شیوه، مجرمان کم‌خطرتر و مجرمان جرایم غیرعمد، به جای اعزام به زندان، در محیط خانواده مجازات خود را سپری می‌کنند.

بدین ترتیب، از ظرفیت‌های محیط خانواده برای بازسازی مجرمان استفاده می‌شود؛ البته روشن است که در این روش، هم مجرم و هم خانواده وی باید شرایط لازم را داشته باشند، در غیر این صورت، این روش اجرای مجازات کارساز نخواهد بود و تصمیم‌گیری در این خصوص با قضاوت است و آنها تصمیم می‌گیرند که با توجه به وضعیت مجرم، چه نوع مجازاتی برای او مناسب‌تر است.

حبس خانگی یا حبس در خانه، اصطلاحی است که به محدودیت در رفت و آمد و خروج از منزل اشاره دارد. این نوع حبس، با حکم دادگاه در مورد جرایم سبک و متناسب با شخصیت مرتکب مورد حکم قرار می‌گیرد و در اجرای این مجازات، آزادی ورود و خروج محکوم‌علیه از منزل محدود و او ملزم می‌شود در منزل خود بماند یا فقط در ایام معینی که از قبل به او اعلام شده است حق خروج از منزل خود را دارد. در این مجازات، خانه محکوم، به منزله زندان و در حکم سلول است.

تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون جدید مجازات اسلامی، اختیار تعیین این نوع حبس را در مورد بزهکاران نوجوان ۱۵ تا ۱۸ ساله برای دادگاه در نظر گرفته است؛ البته دادگاه به موجب ماده ۶۲ این قانون نیز می‌تواند نسبت به مجرمی که مرتکب جرم تعزیری تا درجه پنج شده است با وجود شرایط مذکور در ماده ۳۹ همان قانون، در خصوص تعویق مراقبتی صدور حکم، به حبس خانگی تحت نظارت سیستم‌های الکترونیکی حکم بدهد.

از کنار هم قرار دادن دو ماده ۶۲ و ۸۹ قانون جدید، این‌گونه استنباط می‌شود که حبس خانگی، تنها اختصاص به مجازات بزهکاران نوجوان ۱۵ تا ۱۸ ساله ندارد بلکه می‌تواند مطابق ماده ۶۲ قانون جدید، به عنوان یکی از شقوق حبس‌های الکترونیکی، به عنوان مجازات در همه جرایم تعزیری تا درجه پنج اعمال شود؛ به تعبیری رساتر، می‌توان

گفت که حکم به مجازات حبس الکترونیکی، اعم از حکم به حبس خانگی است؛ یعنی می‌تواند هم حبس خانگی و هم حبس در محدوده‌ای معین را در برگیرد. با توجه به اهداف پیش‌بینی شده برای نوع حبس و فایده‌هایی که بر آن مترتب است و همچنین تجربه مفیدی که در دیگر کشورها وجود داشته است، حبس خانگی می‌تواند راهکار مفیدی به عنوان یکی از جایگزین‌های حبس به مفهوم سنتی آن باشد؛ ضمن آنکه رنج و سختی که به محکوم تحمیل می‌شود بسیار کمتر از حبس در زندان است و آسیب وارده به خانواده نیز تا حد امکان کاهش می‌یابد.

دلیل اصلی صدور حکم حبس برای مجرمان، به این خاطر است که جامعه از گزندشان در امان باشد؛ اما مجازات حبس خانگی، این خصوصیت و این اثر منفی را ندارد؛ لذا فضای خانه از بسیاری جهات از فضای زندان بهتر و حتی تأثیرگذارتر است و حبس خانگی برای این دسته از افراد می‌تواند مجازاتی باشد که هم به حال جامعه و هم به حال محکوم مؤثرتر است. با اجرای حبس خانگی، اعتماد به نفس و حیثیت شغلی و زندگی بعد از تحمل کیفر افراد مجرم نیز تأمین می‌شود و در نتیجه، از بروز اختلال‌های روحی و روانی محکوم جلوگیری می‌شود و برای حکومت هم منفعت‌های بسیاری دارد؛ از جمله اینکه بار تحمل هزینه‌های اضافی زندان‌ها کاسته می‌شود.

در حبس خانگی، شخص مجرم مکلف است در محدوده منزل باشد و به طرق مختلف، عبور و مرور فرد کنترل می‌شود. یکی از راه‌های نظارت بر شخص زندانی در این نوع حبس، نظارت توسط مأمور اجرای قانون است به طوری که مأموری برای کنترل رفت و آمد و تماس‌های شخص مجرم، به صورت غیرملموس تعیین می‌شود. راه دیگر نظارت، بستن دستگاه مخصوصی به بدن مجرم برای بررسی وضعیت و کنترل کردن او برای عبور و مرور در یک محدوده خاص است (روزنامه حمایت، مورخ ۹۱/۶/۲۰).

۶- تأسیس نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم

بر خلاف مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که بیشتر به جنبه سزادهی، ارباب و بازدارندگی بزهکار توجه دارد، این نهاد جدید پیش‌بینی شده در قانون جدید که با عدالت مکافاتی نیز تطابق بیشتری دارد، غالباً به بازپروری اجتماعی بزهکار توجه دارد که تدبیر آن در قانون جدید، نقطه عطفی در قانون‌گذاری در حوزه جزایی در کشور محسوب می‌شود.

ماده ۴۰ قانون جدید مجازات اسلامی نیز نهادی در حقوق کیفری ایران بنا نهاده که تعویق صدور حکم است. این ماده قانونی، در جهت اصلاح مرتکب و باز اجتماعی شدن مجرم مقرر شده است که اشعار می‌دارد: «در جرایم تعزیری درجه شش تا هشت، دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده، در صورت وجود شرایطی، صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد».

فلسفه پیش‌بینی نهادهایی چون تعویق صدور حکم و معافیت از کیفر، در قانون جدید این است که جرم‌شناسان و کیفرشناسان، سال‌ها است که از مضرات کیفر حبس، به خصوص حبس‌های کوتاه مدت می‌گویند. این نهاد، به خوبی می‌تواند خلأ مجازات حبس را در عمل جبران کند؛ البته به موجب قانون، دادگاه در همه جرایم این اختیار و صلاحیت را برای تعویق صدور حکم ندارد ولی در حوزه جرایم تعزیری که بسیاری از جرایم به هر حال در این حوزه قرار دارند (بر خلاف جرایم مربوط به حدود و قصاص که معدود هستند) دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت، صدور حکم را به تعویق اندازد.

۷- تغییر در نظام آزادی مشروط و پیش‌بینی نظام نیمه‌آزادی

۷-۱- تغییر در نظام آزادی مشروط

آزادی مشروط، فرصت و مجالی است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان در بند داده می‌شود تا چنانچه در طول مدتی که دادگاه تعیین می‌کند از خودشان رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورهای دادگاه را به اجرا گذارند، از آزادی مشروط برخوردار شوند.

فکر تأسیس عنوان آزادی مشروط، به قرن نوزدهم میلادی بر می‌گردد. اعطای آزادی مشروط، یک نوع گذشت، بخشش، کرامت و سخاوت مقامات قضایی محسوب نمی‌شود بلکه یک نوع حقی است که قانون‌گذار به حایزین شرایط اعطا کرده است و مرحله‌ای از اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی محسوب می‌شود (تاج‌زمان، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴).

مطابق قانون جدید مجازات اسلامی، نظام آزادی مشروط، دچار تغییرات جدی شده است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، صدور قرار آزادی مشروط، در مورد همه جرایم تعزیری به طور مطلق مقرر بوده است و شرط استفاده محکوم، از آزادی مشروط این بوده است که محکوم، برای بار اول مرتکب جرم شده باشد و معادل نصف مجازات را تحمل کرده باشد؛ در حالی که در قانون جدید، این روش تغییر کرده است و کسی می‌تواند از

آزادی مشروط استفاده کند که در حبس‌های بیش از ده سال، نصف مجازات و در سایر موارد، یک سوّم آن را تحمل کرده باشد.

در قانون سابق، صدور حکم آزادی مشروط، منوط به پیشنهاد سازمان زندان‌ها و تأیید دادستان یا دادیار ناظر زندان بود؛ اما در قانون جدید، پیشنهاددهنده، دادستان یا قاضی اجرای احکام است؛ بدین صورت که رئیس زندان، گزارش مربوط به وضعیت زندانی را در مورد اینکه همواره حسن رفتار داشته است و وضعیت او نشان می‌دهد که پس از آزادی، مرتکب جرم دیگری نخواهد شد، تهیه می‌کند و به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رساند و قاضی اجرای احکام، مکلف است پیشنهاد آزادی مشروط را پس از احراز شرایط، به دادگاه صادرکننده حکم تقدیم کند.

۲-۷- پیش‌بینی نظام نیمه‌آزادی در قانون فعلی

فصل هفتم از بخش دوّم قانون جدید مجازات اسلامی، در دو ماده به تبیین نظام نیمه‌آزادی پرداخته است. در نظام نیمه‌آزادی، کسی که محکوم به تحمل حبس در مدّت مشخصی می‌شود در واقع در این مدّت، او قسمتی از مجازاتش را متحمل می‌گردد؛ به طور مثال، محکوم، شب‌ها در زندان است و یک زمان مشخصی را در بیرون از زندان می‌گذارند و یا در روزهای تعطیل به زندان می‌رود؛ بنابراین، باید این نظام مدرن کیفری را مثبت ارزیابی کرد؛ چراکه با اعمال این شیوه، فرد هم کیفر خویش را متحمل می‌کند و هم دچار مضرات و گرفتاری‌های زندان نمی‌شود. سایر کشورها نیز روز به روز به روش‌های جدیدی برای اصلاح نظام حبس و زندان روی می‌آورند.

در واقع، قانون جدید با پیش‌بینی چنین وضعیتی به دنبال اصل فردی کردن مجازات‌ها در نظام کیفری بوده است؛ بنابراین، با اجرای صحیح قانون جدید مجازات اسلامی، با توجه به استفاده از نهادهای نوینی از جمله نظام نیمه‌آزادی، آزادی مشروط و ... در این قانون، می‌توان شاهد کاهش جدّی مضرات حبس در نظام کیفری بود.

امروزه، استفاده از نظام‌های نوین در حقوق کیفری کشورها اهمیت شایانی پیدا کرده است که نظام نیمه‌آزادی نیز یکی از کارآمدترین آنها محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد قانون جدید مجازات اسلامی با استفاده از نظریات حقوق‌دانان کیفری و بهره‌گیری از مؤلفه حاکم بر جرم‌شناسی بین‌المللی، نظام نیمه‌آزادی را در جهت حمایت از شخص بزهکار، خانواده او و در نهایت جامعه ایرانی به رسمیت شناخته است. نگاه مثبتی که از سوی اکثر حقوق‌دانان به این نهاد حقوقی شده است چشم‌انداز روشنی را از اجرای این نهاد حقوقی در دادگاه‌ها، پیش روی جامعه حقوقی قرار داده است (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۵).

نتیجه

در مجموع می‌توان گفت: آثار بسیار منفی و شکننده زندان و ای بسا ناکارآمدی آن، منجر به پیدایش مکتب‌های حقوقی فکری گوناگونی گردید که در اغلب آنها به شدت با زندان به عنوان یک ابزار و سازوکار بازدارنده و کاهنده جرم به مخالفت پرداخته شده است؛ همچنین نگاه جدید به مجازات‌های جایگزین زندان که فاقد آن آثار منفی و تأمین‌کننده اهداف اجتماعی باشد هرچه بیشتر نمایان گردید و دانشمندان و حقوق‌دانان بسیاری از کشورها به سوی این جریان و حرکت نوین اقبال نشان دادند و ایران نیز به این جریان پیوست و در این راستا حرکت‌هایی از خود بروز و ظهور داد که آخرین و جامع‌ترین آنها در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ تبلور یافته است.

از جمله نکات مثبت موجود در قانون جدید مجازات اسلامی، بحث مجازات‌های جایگزین حبس است که به عنوان فصلی مجزاً (فصل نهم از بخش دوم) توسط تدوین‌کنندگان این قانون، به آن توجه شده است که مواد ۶۴ تا ۸۷ این قانون را شامل می‌شود. ماده ۶۴ این قانون، مصادیق این تأسیس حقوقی را بیان کرده است. بر این اساس، مجازات‌های جایگزین حبس عبارتند از: دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی، که با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، در صورت گذشت شاکی و وجود تخفیف، تعیین و اجرا می‌شود و دادگاه در ضمن حکم، به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح خواهد کرد.

در توجیه استفاده از این جایگزین‌ها چنین آمده است که: به دلیل اینکه تعداد زندانیان کشور، بالاتر از میانگین‌های بین‌المللی قرار دارد و سالانه ۲۰ درصد به جمعیت زندان‌ها اضافه می‌شود و این امر باعث شده است که جمعیت زندانیان، سه برابر بیشتر از ظرفیت زندان‌ها باشد، این امر خود باعث مشکلات بسیاری چه از نظر هزینه‌های نگهداری و چه از حیث کیفیت زندگی زندانیان می‌شود.

در ایران، در حالی که در سال‌های اخیر، آمار ورودی زندانیان به زندان‌ها، نسبت به دیگر کشورها کاهش یافته است لکن هنوز تعداد زندانیان در مقایسه با اکثر کشورهای دیگر، دارای رشد فزاینده‌ای است، به طوری که ایران در سال ۲۰۰۷ با بیش از ۱۵۸ هزار نفر زندانی، رتبه نهم جهان را به خود اختصاص داده است.

بنابراین، قانون‌گذار کشور ما هم سعی کرده است که به طرق مختلف در جهت حبس‌زدایی اقدام نماید و در قانون مجازات اسلامی جدید (مصوب ۱۳۹۲) نیز در این زمینه نوآوری‌های بسیاری صورت داده است، به طوری که به جایگزین‌های حبس توجه ویژه‌ای کرده است که در قوانین سابق وجود نداشت.

از جمله نوآوری‌های این قانون، که فصلی مستقل (فصل نهم) را به خود اختصاص داده این است که مجازات‌های جایگزین را برشمرده است.

از دیگر مواردی که در قانون مجازات اسلامی جدید می‌توان از آن به عنوان گامی در جهت حبس‌زدایی نام برد، حبس خانگی و حبس‌های الکترونیکی است؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که رویکرد اصلی قانون‌گذار در قانون جدید مجازات اسلامی، بر حبس‌زدایی و کاهش زندانیان محبوس بوده است.

جالب است بدانیم که در قانون مجازات اسلامی جدید، برای اولین بار نظام نیمه‌آزادی در نظام کیفری ما وارد شده است؛ همچنین، استفاده از شیوه‌های حبس‌زدایی در قانون مجازات جدید نیز تنها منحصر به مورد مذکور نیست، بلکه در ماده ۶۲ قانون جدید مجازات اسلامی، به عنوان حبس الکترونیکی یا نظارت الکترونیکی پیش‌بینی شده است اما اینکه آیا این مجازات که حدود یک دهه از امتحان آن توسط کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌گذرد می‌تواند در کشور ما مؤثر واقع شود یا خیر، بحث قابل تأملی است و نیاز به بررسی دقیق‌تر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و تا حدودی اقتصادی دارد؛ البته نکته مهمی که در این زمینه به نظر می‌رسد، نحوه استفاده از این ابزارهای نو است که باید به فناوری آن دست یافت و مهم‌تر اینکه، نباید فکر کرد که نگهداری به شیوه حبس الکترونیکی یا پابند الکترونیکی، هیچ هزینه‌ای در بر ندارد، بلکه این موضوع از یک سو نیازمند وجود مأمورین متخصص است و از سوی دیگر باید نسبت به حل مشکلات پیش روی این روش اقدام جدی صورت داد.

به هر حال، باید مدّ نظر داشت که دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو مورد از مجازات‌های جایگزین حکم دهد؛ البته مجازات جایگزین حبس در صورتی اعمال می‌شود که بار اول بوده و مجرم فاقد سابقه محکومیت کیفری باشد.

باید گفت که استفاده فراوان از مجازات حبس باعث گردید که حتی مسؤولان عالی قضایی نیز نسبت به پیامدهای منفی آن هشدار دهند. از سوی دیگر، هزینه‌های بالای

مجازات حبس، دستگاه قضایی و کلّ حاکمیت را با چالش‌های جدّی مواجه ساخته است؛ اما آنچه که بیش از همه باعث نگرانی می‌شود اثرات اجتماعی زندان، بر روی مجرمان جرایم غیرعمد و سبک است. در چنین وضعیتی، قانون جدید مجازات اسلامی، برای مجازات‌های جایگزین حبس، اهمیت فراوانی قائل شده است. بدین ترتیب، با استفاده از این سیاست‌ها، علاوه بر اعمال محدودیت‌هایی بر مجرم، که منجر به محدود شدن آزادی فردی می‌شود، از پیامدهای ناگوار حبس نیز جلوگیری می‌شود.

پیشنهاد این نوشتار این است که در حبس‌هایی که هدف آنها جلوگیری از فرار متهم است حتی‌الامکان، از قرارهای کفالت، ضمانت یا وثیقه استفاده شود. در حبس‌هایی که هدف آنها تعزیر و مجازات متهم است، از مجازات‌های اجتماعی مثل بکارگیری مجرمین در بیمارستان‌ها و مراکز بازپروری، جریمه نقدی، تعلیق و دوره‌های مراقبت به جای حبس استفاده شود که البته این موارد نیاز به فرهنگ‌سازی و همکاری سایر نهادهای عمومی اعم از دولتی و غیردولتی دارد. در حبس‌هایی که هدف، فشار بر متهم به خاطر پذیرش یا روشن شدن حقی است، در درجهٔ اول، بهتر است از پلیس ویژه، مانند پلیس قضایی برای انجام تحقیقات استفاده شود تا به جای محبوس کردن متهم، از روش‌های اثبات دعاوی استفاده شود تا جامعه و متهم از معایب آن در امان بمانند. با بازنگری کلی و جامع در قوانین کیفری، اولاً در جهت جرم‌زدایی (قضازدایی) و ثانیاً حتی‌الامکان در جهت حذف مجازات حبس (حبس‌زدایی) تلاش کنیم.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- ۴- آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۵- تاج‌زمان، دانش؛ حقوق زندانیان و علم زندانیان، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- ۶- حجتی اشرفی، غلامرضا؛ مجموعه قوانین حقوقی - جزایی، جلد ۴، ۱۳۸۱.
- ۷- علی بن ابی طالب؛ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر دانش، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۹.
- ۸- شمس، علی؛ حقوق زندانیان، انتشارات راه تربیت، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۹- کلینی، محمد؛ اصول کافی، جلد ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۰- صافی گلپایگانی، لطف‌الله؛ التعزیر؛ جلد ۲، قاهره، ۱۴۱۱ق.
- ۱۱- منتظری، حسینعلی؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی، جلد ۴، انتشارات دارالحکمه، چاپ پنجم، قم، ۱۳۶۸.
- ۱۲- میرمحمدی، سیدابوالفضل؛ زندان و زندانی از دیدگاه اسلام، انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۱۳- هاشمی شاهرودی، محمود؛ مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین همایش بین‌المللی بررسی راه‌های جایگزین مجازات حبس، جلد ۱، تهران، بی‌تا.

ب) مقالات و نشریات

- ۱۴- غلامی، حسین؛ ارزیابی جرم‌شناختی دو نهاد حقوق کیفری: تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبائی، سال سوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.

- ۱۵ - محمدی، علی حسین؛ نگاهی به حبس‌زدایی در قانون جدید مجازات اسلامی، فصلنامه حقوقی عدل، شماره ۱۳۹۲، ۳.
- ۱۶ - روزنامه حمایت؛ مورخ ۹۱/۶/۲۰.

قضاوت

The need to move towards removing imprisonment, with a view to institutions established in the New Penal Code (2013) and the obstacles facing them

Hassan Abedian*

Seyyed Mohammad Fazel Hosseini**

Received:7/6/2015

Accepted:20/9/2015

Abstract:

Since imprisonment sentence was ineffective to achieve its expected goals, including the reform and rehabilitation of prisoners, and because of economic and social problems that may make difficult the serving of the punishment, it is necessary to study and specify community-oriented punishments as alternative to imprisonment punishment. Among these alternative punishments, one may refer to supervised period, daily fine, community work, deprivation of civil rights, basic suspension and the pilot returned to prison last week, home detention, semi-liberty, etc. Accordingly, the Iranian criminal policy in New Penal Code (2013) has adopted this approach. That is why the statutes, in particular New Penal Code (2013), has provided for guidelines and institutions for decreasing criminal population. These policies were not successful in practice. This study, firstly, deals with the reasons and necessities of moving towards the alternative punishments for imprisonment and obstacles, including the lack of required infrastructures and necessity of taking coordinated measures of public institutions and then it will be ended by concluding remarks and relevant suggestions.

Key words: prison, punishment, imprisonment, removing imprisonment.

*Assistant Professor of Jurisprudence and principles of law at Qom Islamic Azad University.

Mhabed4@yahoo.com

**Ph.d in Jurisprudence and principles of law at Qom Islamic Azad University.

dr.fazel50@gmail.com